

## تجمل گرایی در قرآن کریم؛ آسیب ها و راه کارها

### نسترن هدایت نسب<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل از دانشگاه امیرالمومنین (ع) اهواز

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

نسترن هدایت نسب

### چکیده

تجمل گرایی به عنوان آسیبی که در بین جامعه اسلامی می تواند عوارض و عواقب ناخوشایندی داشته باشد، به صورت مستقیم در قرآن کریم مطرح نشده است. واژگان زخرف، زینت و تکاثر و نیز داستان قارون در قرآن دلالت بر تجمل گرایی دارد. قرآن کریم با این دو روش هم به تبیین دایره معنایی تجمل گرایی پرداخته و هم به تصویر نمونه عینی آن. آسیب هایی که قرآن برای تجمل گرایی برشمرده است عموماً آسیب های اعتقادی و اخلاقی اند که می توانند نتایج عملی سوء داشته باشند و به همین منوال، راه کارهای قرآن در این زمینه، عموماً اعتقادی و اخلاقی اند بنابراین مقابله با تجمل گرایی، راه کار فرهنگی می طلبد.

**کلمات کلیدی:** تجمل گرایی، مصرف، زخرف، زینت، تکاثر، قارون

## مقدمه

مبحث تجمل‌گرایی از دو جنبه اهمیت یافته است: اول از این جنبه که دین اسلام، چنانچه مشهور شده است، به مفاهیمی همانند «اعتدال» و «قناعت» ارزش اخلاقی داده است لذا هر آنچه در ضدیت با این مفاهیم باشد از «افراط»، «اسراف»، «اتراف» تا مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی فاقد ارزش اخلاقی است و مورد تایید متون دینی اسلام نیست. تصور بر این است که اسلام چون موافق ساده‌زیستی است بنابراین با هر گونه تجمل‌گرایی مخالفت می‌کند و مسلمانان چنانچه تجمل‌گرا باشند، در مسلمانی شان، خللی وجود دارد. سیره پیامبر و عترت طاهرين، بزرگان دینی و نصوص همگی بنا به این تصور، موید ساده‌زیستی و مخالف تجمل‌گرایی است. دوم از این جنبه که حرکت عظیم انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با یک تحول فرهنگی همراه بود و نسل انقلاب که روحیه اشرافی‌گری خاندان پهلوی و وابستگان دربار را دیده بودند، در پی ترویج ساده‌زیستی برآمدند. زندگی ساده مسوولان نظام اسلامی و در راس آنها، مشی ساده زیستی مرحوم امام خمینی (ره) خود الگویی برای مردم بود اما اندک اندک با فاصله گرفتن از سال ۱۳۵۷ و عللی دیگر، هم نسل انقلاب بعضاً به ورطه تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی غلتیدند و هم نسل‌های بعد الگوی خویش را نه زندگی ساده زیستانه که زندگی تجملاتی برگزیدند و ساده‌زیستی به یک مفهوم نامتعارف تبدیل شد.

با این حال، هنوز پدیده تجمل‌گرایی به عنوان یک مساله نظری باقی مانده است و چون تجمل‌گرایی با ظهور و بسط مدرنیته غربی و رواج صنعت و سرمایه‌داری، اوج گرفته است، دوگانه‌ی «ساده‌زیستی/تجمل‌گرایی» به صورت مصداقی از چالش میان سنت و مدرنیته در آمده است. سوال اصلی در این بحث اینست که آیا بر اساس آموزه‌های دین اسلام، تجمل‌گرایی قابل قبول است یا نه؟ آیا اسلام یک دین تجمل‌گراست یا مروج ساده‌زیستی؟ آیا اسلام با همه ابعاد و جنبه‌های تجمل‌گرایی مخالف است یا بعضی از آنها؟ در صورت تایید یا عدم تایید تجمل‌گرایی، چه راه‌کاری جهت مواجهه و رویارویی با پدیده‌های دنیای جدید که بعضاً مصداق تجمل‌گرایی اند، وجود دارد و مسلمانان باید چگونه با مدرنیته غربی تعامل کنند؟

در این مقاله تلاش شده است مساله تجمل‌گرایی از منظر قرآن کریم بررسی شود بدین منظور آیاتی که به این پدیده اشاره دارد یا قریب المعنی با تجمل‌گرایی است، تبیین می‌شود؛ در وهله دوم به آسیب‌های تجمل‌گرایی و در وهله سوم به راه‌کارهای آن خواهیم پرداخت. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

## ۱/ معنای تجمل‌گرایی

کلمه «تجمل» مصدر باب تفاعل و از ریشه «جمل» است که طبق گفته صاحب کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» در لغت عبری به معنی نضج و انقطاع (رسیدن و بازگرفتن) بوده و در زبان عربی به هرچه پختگی، نظم و تناسب در آن جمع باشد، اطلاق شده است. (مصطفوی، ج ۲، ص ۱۱۰) صاحب کتاب «المفردات» می‌گوید ماده جمل، دلالت بر کثرت و تکثیر دارد و به همین دلیل، کلمه «جمال» به معنی «زیبایی زیاد» است. (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۰۲) صاحب کتاب «لسان العرب» و نیز صاحب کتاب «مجمع البحرین»، کلمه «تجمل» را به «تکلف الجمیل» (خود را آراستن و زینت کردن) معنی کرده‌اند. (ابن منظور، ج ۱۱، ص ۱۲۶ و طریحی، ج ۵، ص ۳۴۳)

کلمه «گرایی» به معنی رغبت و تمایل است. (افسردير و رحیمی، ص ۱۰۵) بنابراین تجمل‌گرایی از منظر لغت‌شناسی، گرایش و تمایل به ظواهر زندگی (افسردير و رحیمی، ص ۱۰۵) معنی می‌دهد البته از جهت تاکید بر جنبه زینت و زیبایی آنها.

گفته‌اند که اصطلاح «تجمل‌پرستی» بهتر از «تجمل‌گرایی» است چون درجه وابستگی و بندگی تجمل‌گرایان نسبت به وسایل زینتی و تشریفاتی را نشان می‌دهد. (افسردير و رحیمی، ص ۱۰۵) اما در نقد اینچنین سخنی باید گفت همه تجمل‌گرایان، به تجملات و تشریفات به عنوان یک شیء که مستلزم پرستش باشد نمی‌نگرند و اصولاً معنای پرستش و عبودیت (تسلیم و اطاعت) در برابر تجملات و تشریفات در باره همه آنها صدق نمی‌کند به عبارت دیگر، تجمل‌گرایی یک مفهوم دارای مراتب است که از اندیشه و باور به رواج تجمل، علاقه داشتن به

تجمل تا حالت افراطی آن را که شبیه پرستش است شامل می شود لذا تجمل گرایی اعم از تجمل پرستی است و به کاربردن همین اصطلاح بهتر به نظر می رسد.

نکته ای که به شناخت معنای تجمل گرایی کمک می کند اینست که معنای عرفی تجمل گرایی با معنای لغوی آن تفاوت دارد. در لغت، تجمل به خود را زیبا ساختن و شدت زیبایی معنی می کنند اما در عرف، تجمل گرایی علاوه بر افراط در زینت و زیبایی، افراط در مصرف و ثروت نیز هست. تجمل گرایی فقط نشان دادن زیبایی های مصنوعی نیست بلکه به رخ کشیدن رفاه و ثروت و نیز مصرف بی رویه و غیرمعقول است به همین علت است که بعضی، تجمل گرایی را همان مصرف گرایی دانسته اند.

- با گذر زمان و با توجه به تغییر و تحول دولتها و فرهنگ های یک جامعه امکان دارد معنای تجمل گرایی، مفهوم خاص و انعطاف پذیری تعبیر شود. در همه اقشار جامعه طبیعتاً معنای این دو کلید واژه با قابلیت کمی انعطاف تفسیر می شود.

اگر از نگاه عرف جامعه کنونی به مفهوم ساده زیستی و تجمل گرایی بنگریم، متوجه می شویم آن نگاه خود رأی را اعمال کرده اند. در واقع عرف جامعه و اکثریت عوام با نگاه فردی و شخصی ساده زیستی را قناعتی همراه با فقر مادی و گاه معنوی می دانند و از نگاه آنان کسی که ساده زیست است از منظر اجتماعی دسته پایین تری طبقه بندی می شوند و برعکس؛ آن شخص معتقد یا غیر معتقد که با نگاه ظاهر از جنس تجمل گرایی خود را نشان می دهد او را فردی موجه تر قابل برداشت مناسب های اجتماعی می دانند.

یکی از مثال های مصادیقی تجمل گرایی؛ اشرافی گری در مراسمات عروسی می باشد بطوری که گاه خانواده ها به خاطر مراسم پر خرج و برق عروسی سالها زیر قرض و وام قرار می گیرند و یا مثال دیگر که، در برخی زندگی افراد مد شده با هر نوع اتفاق خوشی از دیدگاه خودشان از جمله تولد، ولنتاین، مهمانی ها، جشن طلاق، بارداری و... جشن هایی برپا می کنند که خود نمود بارز نهادینه کردن فرهنگ تجمل گرایی در جامعه کنونی است.

- دو نوع تفکر برای ساده زیستی عرف شده :

الف) شخصی که پول دارد و خرج نمی کند او را خسیس و بخیل می دانند که در نتیجه طرد شده در جامعه است

ب) شخصی که پول ندارد و توانایی خرج کردن هم ندارد و او را فقیر می نامند که مستحق کمک مالی است.

ولی معنای اصلی ساده زیستی این است که شخصی در زمانی که پول دارد از آن در حد توان و نیاز و قناعت استفاده کند و از اصراف پرهیز شود.

## ۲/ معنانشناسی تجمل گرایی در قرآن کریم

کلمه تجمل و تجمل گرایی با معنایی که منظور نظر ماست، در قرآن کریم نیامده است. اگرچه مشتقات دیگر تجمل، مثل جمال در قرآن کریم آمده است اما معنای جمال با تجمل گرایی که بار معنایی منفی دارد و دلالت بر یک پدیده منفی می کند، تفاوت دارد. در عوض، واژگانی دیگر در قرآن کریم به کار رفته است که هم معنا با تجمل گرایی است و می توان با بررسی موارد کاربرد آنها در آیات قرآنی به نگرش قرآنی در باب تجمل گرایی دست یافت. در ادامه، این واژگان هم معنای با تجمل گرایی را بررسی خواهیم کرد.

### ۲-۱/ زینت

از جمله واژگان به کار رفته در قرآن کریم که معنای با تجمل گرایی است، واژه « زینت » است. راغب اصفهانی، « زینت » را به آنچه باعث عیب و زشتی انسان در هیچ حالی نشود» معنی کرده است. ( راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۸۸ ) صاحب « التحقیق » معتقد است اصل در کلمه زینت، « حسن » و زیبایی ظاهری است. ( مصطفوی، ج ۴، ص ۳۷۵ ) گفته اند زینت سه قسم است: زینت نفسانی مثل علم، زینت بدنی مثل قامت بلند و زینت خارجی مثل مال و جاه. ( راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۸۸ )

در قرآن کریم، آیاتی هست که زینت داشتن را تایید و تجویز می کند مثلاً در این آیه: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجِد و کُلُوا و اشربُوا و لا تُسرفوا إِنَّه لا یحب المُسرفین» (اعراف/ ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. در تفسیر نمونه، ذیل آیه نوشته اند: «در اسلام استفاده کردن از زیباییهای طبیعت، لباسهای زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها، و امثال آن، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن توصیه و سفارش نیز شده است، و روایات زیادی در این زمینه از پیشوایان مذهبی در کتب معتبر نقل شده است. به عنوان نمونه در تاریخ زندگی امام حسن مجتبی ع می‌خوانیم هنگامی که به نماز برمی‌خاست بهترین لباسهای خود را می‌پوشید سؤال کردند چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ فرمود: ان الله جمیل یحب الجمال، فاتجمل لربی و هو یقول خذُوا زینتکم عند کل مسجِد. خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بگیرید.» (مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۱۵۱) اما آیاتی دیگر وجود دارد که وجود زینت، در صورتی که با انگیزه منفی و به صورت افراطی باشد، نکوهش می کند مثلاً در این آیه: «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطر المقتطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسمومة و الأنعام و الحرث ذلک متاع الحیة الدنیا و الله عنده حسن المآب» (بقره/ ۱۴) محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. یا در این آیه: «یا ایها النبی قل لأزواجک إن کنتن تردن الحیة الدنیا و زینتها فتعالین امتعنن و أسرحنن سراحاً جمیلاً» (احزاب/ ۲۸) ای پیامبر! به همسرانت بگو اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم.

بنابراین در قرآن کریم، واژه زینت دو گونه کاربرد دارد: کاربرد مثبت و کاربرد منفی. اگر زینت در جهت مشروع و با مشی اعتدال باشد، نه تنها ایرادی ندارد بلکه قابل توصیه است و خداوند به آن دستور داده است تا انسان از مواهب طبیعی و خدادادی در جهت تعالی و رشد خویش بهره بگیرد و مواهب دنیوی را در مسیر زندگی آخرت به کار ببندد ولی اگر زینت در مسیر نامشروع مثل خودنمایی برای نامحرمان یا به صورت افراطی و اسراف گونه باشد از نظر خداوند قابل قبول نیست و با تعالیم قرآنی همخوانی ندارد. اسلام در این موارد نه جمود و تعصب و خودداری را می‌پسندد نه بی‌پروایی و اسراف و افراط. (مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۱۵۶)

## ۲-۲/ زخرف

راغب اصفهانی، «زخرف» را زینت آراسته شده معنی کرده است. (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۷۹) در قرآن کریم، کلمه زخرف، ۴ بار به کار رفته است. با توجه به هدفی که این مقاله دنبال می کند، آیاتی که زخرف در آنها به کار رفته با پدیده تجمل گرایی ربط دارد، دو دسته است: در دسته ای از آیات، پدیده های طبیعی مثل باران و رویش گیاهان و حیات حیوانات را به عنوان زخرف و زینت زمین معرفی می کند. «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس/ ۲۴) مثل این زندگی دنیا مثل بارانی است که از آسمان نازل کنیم، تا بدان هر گونه رستنیها از زمین بروید، چه آنها که آدمیان می‌خورند و چه آنها که چارپایان می‌چرند. چون زمین پیرایه خویش بر گرفت و آراسته شد و مردمش پنداشتند که خود قادر بر آن همه بوده‌اند، فرمان ما شب هنگام یا به روز دررسد و چنان از بیخش برکنیم که گویی دیروز در آن مکان هیچ چیز نبوده است. آیات را برای مردمی که می‌اندیشند اینچنین تفصیل می‌دهیم. در دسته ای دیگر از آیات، خانه های باشکوه و وسایل تجملاتی را نکوهش می کند. «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَانِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ وَ زُخْرُفًا وَ إِن كُلِّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف/ ۳۳ و ۳۴ و ۳۵) اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند و برای خانه‌هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند و انواع زیورها ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است. چنانچه از این آیه مشخص است، خداوند داشتن وسایل و دارایی های مادی مثل خانه های تجملاتی را

متاع زندگی دنیا می داند که بی حاصل و بی ارزش است و ارزش حقیقی ندارد. این آیه به خوبی روشن می کند که روی آوردن به رفاه بیش از حد، تجملات و تشریفات یک ارزش دروغین است و حقیقت زندگی انسان به اینگونه زینت ها و زیور ها نیست. اساس دعوت اسلام بر این پایه است که ارزش های واقعی را به انسانها نشان بدهد و ملاک زینت زندگی دنیوی را ارزشهای واقعی معرفی کند نه ارزش های دروغین. ( مکارم شیرازی، ج ۲۱، ص ۵۸) از این جهت است که خداوند به پیامبران و اولیای خویش، زندگی تجملاتی نداده است تا تجمل گرایی به عنوان یک ارزش از سوی پیروان آنها تلقی نشود.

## ۲-۳ / تکاثر

« تکاثر » را صاحب المفردات به معارضه کردن در کثرت مال و بزرگی معنی کرده است. ( راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۷۰۳) در دو مورد کاربرد کلمه تکاثر در قرآن کریم، بار منفی آن را نشان می دهد. در آیه اول می گوید: *إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ* (حدید/ ۲۴) مثل این زندگی دنیا مثل بارانی است که از آسمان نازل کنیم، تا بدان هر گونه رستنیها از زمین بروید، چه آنها که آدمیان می خورند و چه آنها که چارپایان می چرند. چون زمین پیرایه خویش برگرفت و آراسته شد و مردمش پنداشتند که خود قادر بر آن همه بوده اند، فرمان ما شب هنگام یا به روز دررسد و چنان از بیخس برکنیم که گویی دیروز در آن مکان هیچ چیز نبوده است. آیات را برای مردمی که می اندیشند اینچنین تفصیل می دهیم. از نظر بعضی مفسرین، در این آیه به پنج مرحله عمر آدمی در این دنیا اشاره شده است. صاحب « تفسیر نمونه » می نویسد: « غفلت » و « سرگرمی » و « تجمل »، « تفاخر » و « تکاثر » دورانهای پنجگانه عمر آدمی را تشکیل می دهند.

نخست دوران کودکی است که زندگی در هاله ای از غفلت و بیخبری و لعب و بازی فرو می رود. سپس مرحله " نوجوانی " فرا می رسد و سرگرمی جای بازی را می گیرد، و در این مرحله انسان به دنبال مسائلی است که او را به خود سرگرم سازد و از مسائل جدی دور دارد. مرحله سوم مرحله " جوانی " و شور و عشق و تجمل پرستی است. از این مرحله که بگذرد مرحله چهارم فرا می رسد و احساسات " کسب مقام و فخر " در انسان زنده می شود

و سرانجام به مرحله پنجم می رسد و در این مرحله به فکر افزایش مال و نفرت و جمع ثروت می افتد. مراحل نخستین تقریباً بر حسب سنین عمر مشخص است ولی مراحل بعد در افراد کاملاً متفاوت می باشد، و بعضی از آنها، مانند مرحله تکاثر اموال، تا پایان عمر ادامه دارد، هر چند بعضی معتقدند که هر دوره ای از این دوره های پنجگانه هشت سال از عمر انسان را می گیرد، و مجموعاً به چهل سال بالغ می گردد، و هنگامی که به این سن رسید شخصیت انسان تثبیت می گردد. ( مکارم شیرازی، ج ۲۳، صص ۳۵۱ و ۳۵۲) اما از نظر بعضی مفسرین دیگر، این پنج خصلت، در حقیقت پنج خصلت زندگی دنیوی است. علامه طباطبایی در ذیل آیه نوشته اند: « زندگی دنیا عرضی است زائل و سرابی است باطل که از یکی از خصال پنجگانه زیر خالی نیست: یا لعب و بازی است، یا لهو و سرگرم کننده، یا زینت است، (که حقیقتش جبران نواقص درونی خود با تجمل و مشاطه گری است)، یا تفاخر است، و یا تکاثر، و همه اینها همان موهوماتی است که نفس آدمی بدان و یا به بعضی از آنها علاقه می بندد، اموری خیالی و زائل است که برای انسان باقی نمی ماند، و هیچ یک از آنها برای انسان کمالی نفسانی و خیری حقیقی جلب نمی کند. ( طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۸۹)

قرآن کریم در آیه دوم درباره تکاثر می گوید: *أَلْهَنَكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ* ( تکاثر / ۱ و ۲) به غفلت کشید شما را نازش به بسیاری مال و فرزند، تا به گورها رسیدید. در این آیه که در شان مشرکان جاهلیت نازل شده ولی معنایی اعم دارد، خداوند انسانها را از فخر فروشی و زیاده طلبی نسبت به یکدیگر باز می دارد و منظور از فخر فروشی و زیاده طلبی، تفاخر در اعتقادات، اموال، اولاد، نفرت، مقام، اعمال است و هر آنچه به دنیا و لذات و شهوات دنیایی ارتباط پیدا می کند. ( رضایی بیرجندی، ص ۱۵) در فرهنگ قرآنی، دو گروه معرفی شده اند که نقطه مقابل یکدیگرند: کوثر طلبان و تکاثر طلبان. ( رضایی بیرجندی، ص ۱۱) کوثر طلبان در پی خیر کثیر و ارزش واقعی اند ولی تکاثر طلبان در پی سراب اند و ارزش هایی را دنبال می کنند که همه آنها مربوط به حیات دنیوی است و مثل حیات دنیوی، قلیل، زودگذر، محدود و اعتباری است. از

آنجا که تجمل گرایی، نوعی زیاده طلبی و اسراف در مال و مصرف است، می توان گفت تجمل گرایان جزو تکاثرطلبان هستند و همواره به کمیت مال و مصرف خویش می اندیشند نه کیفیت استفاده و بهره برداری از آنها.

### ۳/ داستان قارون؛ نمود عینی تجمل گرایی

قرآن کریم در سوره قصص به داستان فردی پرداخته است که نمود عینی تجمل گرایی است و سرنوشت دنیوی او را به تصویر کشیده است. قارون که طبق گفته مفسرین خویشاوند حضرت موسی (ع) بوده است ( مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۱۵۳) و جزو بنی اسرائیل محسوب می شود، با رفتار تجمل پرستانه خویش باعث شد که عذاب خداوند بر وی نازل شود و نام وی به عنوان فردی که نمود عینی تجمل گرایی است در قرآن کریم عنوان گردد. قرآن کریم در بنی اسرائیل سه نماد را ترسیم کرده است: فرعون که نماد قدرت دروغین است، سامری که نماد علم اغواگرانه است و قارون که نماد ثروت تکاثرطلبانه است.

آیاتی که داستان قارون را به تصویر کشیده است از این قرارند: **إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ**

**وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْفِدِينَ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ اللَّهُ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ أَنَّ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَآنَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ**

**تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ( قصص / ۷۶ تا ۸۳ )**

قارون از قوم موسی بود که بر آنها افزونی جست و به او چنان گنجهایی دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی از مردم نیرومند دشوار می نمود. آن گاه که قومش به او گفتند: سرمست مباش، زیرا خدا سرمستان را دوست ندارد، در آنچه خدایت ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن. و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. گفت: آنچه به من داده شده، در خور دانش من بوده است. آیا ندانسته است که خدا پیش از او نسلهایی را هلاک کرده که قوتشان از او افزون تر و شمارشان بیشتر بوده است؟ و این مجرمان را از گناهشان نمی پرسند. آراسته به زیورهای خود به میان مردمش آمد. آنان که خواستار زندگی دنیوی بودند گفتند: ای کاش آنچه به قارون داده شده ما را نیز می بود، که او سخت برخوردار است

اما دانش یافتگان گفتند: وای بر شما. برای آنها که ایمان می آورند و کارهای شایسته می کنند ثواب خدا بهتر است. و بدین ثواب جز صابران نرسند. پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم و در برابر خدا هیچ گروهی نداشت که یاریش کند و خود یاری کردن خویش نمی توانست. روز دیگر آن کسان که دیروز آرزو می کردند که به جای او می بودند، می گفتند: شگفتا که خدا روزی هر کس را که خواهد فراوان کند یا تنگ سازد. این سرای آخرت را از آن کسانی اگر خدا به ما نیز نعمت فراوان داده بود، ما را نیز در زمین فرو می برد. نمی بینی که کافران رستگار نمی شوند ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

چنانچه از این آیات بر می آید:

۳-۱/ قارون ثروت عظیمی داشت تا آنجا که حمل کلید گنج های او برای انسان های تنومند دشوار بوده است. داشتن ثروت عظیم بدون اینکه در حد ضرورت باشد یا نیاز وی را در حد اعتدال رفع نماید، باعث ظلم مالی و فساد اقتصادی قارون شده است بنابراین خود ثروت عظیم، به خودی خود مشکل آفرین نیست بلکه اسراف و خروج از حد اعتدال است که مشکل می آفریند.

۳-۲/ ثروت عظیم قارون باعث شده بود که دچار سرمستی و غرور شود و خود را برتر و بالاتر از دیگران ببیند و فریب تسویلات و تزییات نفس اماره را بخورد. از این جهت معلوم می شود که خود ثروت، به خودی خود مذموم نیست بلکه اگر انسان را دچار غرور و تکبر کند و او را به جای فضایل به رذایل اخلاقی بکشاند و مانع از رشد و تعالی او شود، در نظر قرآن کریم مذموم است. ( مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۱۵۵ و قرآینی، ج ۹، ص ۹۳)

۳-۳/ به طور کلی و بر اساس بینش دینی ما درباره توحید افعالی، اگر کسی دارای مال و ثروت شده است، از قبل خودش نیست بلکه این نعمتی است که خداوند به وی داده است. تصور قارون این بود که خودش ثروتش را بر اساس علمی که داشته، به دست آورده است اما اصل همه مالکیت ها از خداست و انسان نباید فریب بخورد و تصور کند که خودش به عنوان یک عامل مستقل در کنار خداوند توانسته به مال دست یابد. ( قرآینی، ج ۹، ص ۹۴)

۳-۴/ ثروت داشتن و سرمایه داری چنانچه همراه با روح ایمان نباشد، فسادآور است. ( قرآینی، ج ۹، ص ۹۴) اینکه گفته می شود قدرت، فساد می آورد، به همین گونه می توان گفت ثروت، فساد می آورد ولی نه هر قدرتی و نه هر ثروتی به خودی خود، منشاء فساد نیستند. قدرت و ثروت اگر برخاسته از روح و جان مومن نباشد و اگر همراه با ایمان خالصانه نباشد باعث فساد خواهد شد. ویژگی قارون این بود که از جاده صواب خارج شد و ایمان خویش را از دست داد، آنگاه دچار غرور و تکبر ناشی از ثروت عظیم خویش شد.

۳-۵/ به رخ کشیدن ثروت، صفتی قارونی است. ( قرآینی، ج ۹، ص ۹۷) چنانچه در تفسیر نمونه آمده است: « معمولاً ثروتمندان مغرور گرفتار نوعی از جنون می شوند، یک شاخه آن « جنون نمایش ثروت» است، آنها از اینکه ثروت خود را به رخ دیگران بکشند لذت می برند، از اینکه سوار مرکب راهوار گران قیمت خود شوند و از میان پابرهنه ها بگذرند و گرد و غبار بر صورت آنها بیفشانند و تحقیرشان کنند احساس آرامش خاطر می کنند! گرچه همین نمایش ثروت غالباً بلای جانشان است زیرا کینه ها در سینه ها پرورش می دهد، و احساسات را بر ضد آنها بسیج می کند، و بسیار می شود که همین عمل زشت و شرم آور طومار زندگی آنها را درهم می پیچد، و یا ثروتشان را بر باد می دهد. ممکن است این کار جنون آمیز انگیزه ای مانند " تطمیع افراد طمعکار " و " تسلیم افراد سرکش " داشته باشد، ولی آنها حتی بدون این انگیزه این عمل را انجام می دهند، این یک نوع هوس است نه برنامه و نقشه. ( مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۱۶۳)

۳-۶/ قرآن کریم در پایان داستان قارون و گفتگویی که میان افراد بنی اسرائیل در باره ثروت او شده است، به نکته ای اشاره کرده است که ماحصل آن چنین است: به جای تمنای ثروت دیگران، به داده های الهی قانع باشیم. ( قرآینی، ج ۹، ص ۹۹) باید در نظر داشت که طبق نگرش قرآنی، همه انسانها در یک حد نیستند و مراتبی دارند مثلاً در مساله مال و ثروت، همه به یک اندازه برخوردار نیستند. آنکه بیشتر دارد، برای وی مایه امتحان است و آنکه کمتر دارد بازهم برای وی مایه امتحان است. چه بسا وجود ثروت عظیم در دست کسی، مایه عذاب الهی است تا بیشتر در گمراهی فرو رود لذا آرزوی ثروت عظیم دیگران را داشتن، منطبق قرآن نیست بلکه قرآن توصیه می کند همه روزی ها را از خدا بدانیم و خدا را در توزیع ثروت بین انسان ها حکیم بشماریم و به قسمت خویش راضی باشیم.

#### ۴/ آسیب های تجمل گرایی

منظور از آسیب های تجمل گرایی، عوارض و پیامدهای منفی است که در صورت وجود و گسترش تجمل گرایی در فرد و جامعه، گریبانگیر آنها خواهد شد و حیات فردی و اجتماعی را از حالت اعتدال و میانه خارج می سازد. از مجموع آیات قرآنی در این زمینه می توان دریافت که تجمل گرایی در منظر قرآن کریم، چند آسیب و آفت دارد که در زیر بیان خواهد شد: ( افسر دیر و رحیمی، ص ۱۰۸)

#### ۴-۱/ فراموشی یاد خدا و نیازدگی

چون تجمل گرایی و لوازم آن نظیر رفاه زدگی و زیاده خواهی و تکاثر طلبی، همه جزو امور مادی و مربوط به این دنیای فانی است، می توان نتیجه گرفت که تجمل گرایی در اولین آسیب خویش باعث می شود انسان از هدف اصلی خلقت خویش که تقرب به خداست غفلت کرده و به

جای توجه به بعد معنوی و اخروی زندگی اش، غرق در مادیت زدگی و دنیازدگی شود و در نهایت «انگیزه های غریزی و اهداف دنیوی، تجمل گرایان و رفاه طلبان را به کارهایی وادار می کند که در مسیر حقیقت نیست». (افسردیر و رحیمی، ص ۱۰۹) علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان در باره آیه هفتم سوره روم (يُعَلِّمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) نوشته است: «(بلی) میدانند ظاهری از زندگانی دنیا را یعنی منفعت‌ها و ضررهای دنیایی را که در چه وقت کشت نموده و در چه زمانی درو کند و به چگونه اموال را گرد آورده و ساختمانها را بنا کند ولی تمام اینها مربوط به دنیا است- و ایشان غافل از جهان بعدی و آخرت میباشند و بدین سبب دنیای خود را ساخته و در امر آخرت بغفلت می گذرانند. این معنی از «ابن عباس» نقل شده ولی «حسن» گوید مقصود آنست که آنان در امر دنیا آن چنان خبیر و عالمند که اگر (درهمی) را بروی پشت خویش بگذارند از وزن او هم اطلاع داشته و خبر میدهد، اما همین افراد به نماز- احکام و قرائت آن- آگاهی نداشته و فرا نمی گیرند تا انجام دهند. (طبرسی، ج ۱۹، ص ۹۷) طبیعی است که نتیجه اعراض و رویگردانی از یاد خداوند و نیز دنیازدگی، فرورفتن در رذایل اخلاقی و مبتلا شدن به پیروی از هوای نفس، مال پرستی، شهوت پرستی و فساد است. (افسردیر و رحیمی، ص ۱۰۹) یکی از گوشزدهای قرآن کریم در داستان قارون اینست که در پی فساد مباحثید چرا که خداوند مفسدین را دوست ندارد. بی تردید تجمل گرایی باعث دنیازدگی و دوری از خداوند و دنیازدگی باعث فساد مالی و اخلاقی می شود.

## ۲-۴ / کفران نعمت

نعمت های خداوند در حق انسان ها فراوانند و هر یک می طلبد که انسان، آنها در مسیر درست خویش به کار گیرد اما با تجمل گرایی، توجه انحصاری انسان به بخشی از نعمت های خداوند که مادی است جلب می شود و سایر نعمت ها به خصوص نعمت های باطنی نظیر ولایت اهل بیت (ع) و وجود سلامتی را به فراموشی می سپارد. در حقیقت تجمل گرایی، به معنی توجه انحصاری به یک بعد و نادیده گرفتن ابعاد دیگر نعمت های خداست و بدین ترتیب انسان از رشد همه جانبه و تعالی در همه ابعاد زندگی خویش باز می ماند. قرآن کریم در سوره واقعه آورده است: *إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ وَ كَانُوا يَقُولُونَ أُنْذِرْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظْمًا ؕ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (واقعه/ ۴۵ و ۴۶)* اینان پیش از این در ناز و نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند و می گفتند: آیا زمانی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم باز هم ما را زنده می کنند؟

## ۳-۴ / مصرف گرایی

از آیه شریفه «ولا تطيعوا امر المسرفين (شعرا/ ۱۵۱) فرمان این اسراف کاران را مپذیرید» مشخص می شود که انبیا، در مصرف گرایی مردم حساس بودند. (قرآنی، ج ۸، ص ۳۵۵) کسانی که اهل تجملات و تشریفات اند، روحیه مصرف گرایی دارند و دغدغه تولید و رفع نیازمندی های جامعه را ندارند لذا قرآن کریم بیان می کند که از روش و دستور اسراف گرایان و تجمل گرایان تبعیت نکنید. جامعه مصرف زده، از آنجا که دغدغه تولید ندارد و در فکر ایجاد زمینه های شکوفایی اقتصادی نیست، هم سر از بی ثباتی در می آورد هم هزینه های هنگفت تحمیلی به اقتصاد و هم سرانه فعالیت های لوکس و تجملاتی را که عملاً ضربه ای به اقتصاد مملکت است بالا خواهد برد. در اسلام، تباه کردن مال و هدر دادن آن جایز نیست لذا خداوند با حکمت بالغه خود راه هایی جهت بهره برداری درست از اموال مسلمین توصیه کرده است که از آن جمله صدقه، جهاد با مال، خمس، زکات و قرض الحسنه را می شود مثال زد.

## ۴-۴ / پیدایش و گسترش فقر

تجمل گرایی چون محصول ثروت زیاد و دارایی های فراوان است و ناشی از زیاده طلبی و تکاثر طلبی است، باعث می شود ثروت جامعه در دست یک طبقه خاص باقی بماند و به همین میزان، طبقات دیگر جامعه از داشتن دارایی و ثروت محروم می شوند و روز به روز فقیرتر می گردند. در اسلام، مال و ثروت همیشه باید در گردش باشد و راکد نماند همچنین مال و ثروت باید به صورت توزیع عادلانه و برای همه اقشار و طبقات باشد. انحصار ثروت در دست امثال قارون موجب می شود کسانی که ندارند و نمی توانند به آن حد از ثروت برسند، دچار حسرت و



یاس شده و فقیر بمانند و کسانی دیگر تلاش کنند تا خود را به سطح امثال قارون برسانند بدین ترتیب مسابقه در جامعه نه بر سر امور اخلاقی و معنوی بلکه بر سر جنگ فقر و غنا خواهد شد و فاصله طبقات فقیر و غنی روز به روز گسترده تر می گردد.

## ۵/ راه کارها

بر اساس آنچه از آیات قرآنی بر می آید، می توان راه کارهایی جهت مقابله با آسیب تجمل گرایی در سطح فرد و جامعه پیشنهاد نمود که در زیر اشاره خواهد شد: ( افسردیر و رحیمی، ص ۱۱۹)

### ۵-۱/ توجه به هدف خلقت انسان

به نظر می رسد تجمل گرایی ریشه در مادی گرایی دارد و معنای مادی گرایی اینست که انسان هدف زندگی خویش را محدود به همین حیات چند روزه و محدود دنیوی می بیند، لذا انسان اگر هدف زندگی خویش را خداوند و آخرت قرار دهد و در تمام امور دنیوی خویش، انگیزه و نیت معنوی - اخروی داشته باشد، علی القاعده تجمل گرایی رخت بر می بندد.

در قرآن کریم آمده است: أَمْ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ( مومنون / ۱۱۵) آیا پندارید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما به نزد ما بازگردانده نمی شوید؟ به نظر می رسد بر اساس این آیه شریفه، اگر انسان خلقت خود را هدفدار و هدفمند بداند و به فکر روز بازگشت باشد که باید پاسخ اعمال ریز و درشت خود را بدهد، تلاش خواهد کرد مال و مصرف خویش را در جهت باقیات صالحات و خیرات و میراث خرج نماید تا هم ثمر دنیوی داشته باشد و هم اخروی.

### ۵-۲/ رواج الگوگیری از معصومین

قرآن کریم، رسول الله (ص) را الگوی حسنه معرفی می کند برای کسانی که هدفشان در زندگی رسیدن به خدا و آخرت است. ( احزاب/ ۲۱) بنابراین قرآن کریم در عین توجه به هدف خلقت انسان، به معرفی راهنما نیز پرداخته است. همچنین قرآن کریم بر اساس آیه تطهیر ( احزاب/ ۳۳) امامان معصوم را به عنوان مصادیق طهارت و پاکی کامل معرفی می کند و لازمه اش اینست که می توانند الگوی کاملی باشند چون از هر گونه عیب و نقص مبرا هستند. زندگی پیامبر و عترت طاهرین نشان می دهد آنان نه تنها خودشان، زندگی ساده زیستانه داشته اند و در سطح عموم مردم و فقیرترین آنها زیسته اند بلکه پیروان خویش را دعوت به عدم تجمل گرایی کرده اند حتی با تجمل گرایان به مقابله برخاسته اند. ( افسردیر و رحیمی، ص ۱۲۳)

### ۵-۳/ تقویت ارزش های معنوی و اخلاقی

بعضی ارزش های معنوی و اخلاقی هستند که اگر اکثریت جامعه یا عموم مردم به آنها گرایش و باور داشته باشند، تجمل گرایی مجال بروز پیدا نمی کند و اگر کسی یا کسانی در اقلیت، تجمل گرایی پیشه ساختند، با مخالفت و نهی از منکر اکثریت مواجه می گردند. از جمله این ارزش ها وجود قناعت و اعتدال است. ( افسردیر و رحیمی، ص ۱۲۵) قناعت در تعریف درست آن، به معنی « به اندازه ضرورت خواستن» است نه « کمتر از حد ضرورت خواستن. اگر کسانی به مقداری که مایحتاج اوست و تامین کننده نیازهای وی است، راضی باشد، متصف به صفت قناعت است ولی اگر بیش از حد ضرورت و نیازش، در پی مال و دارایی باشد و مصرف زیاده از حد داشته باشد، از حد قناعت خارج شده است. همچنین اعتدال که حد میان افراط و تفریط است چنانچه در خرج اموال و مصرف های انسان غلبه داشته باشد، مانع تجمل گرایی است؛ در حقیقت روحیه تجمل گرایی ناشی از افراط در مال و مصرف است.

#### ۴-۵ / توجه به عاقبت تجمل گرایی

در علم اخلاق اسلامی، یکی از راه کارهای درمان رذایل اخلاقی را توجه به عواقب امور می دانند. قرآن کریم داستان قارون را که به عنوان نمونه یک رذیلت اخلاقی همچون تجمل گرایی معرفی می کند، آن را به عنوان درس عبرتی برای دیگران قرار داده است. آخر و عاقبت داستان قارون به عذاب خداوند منتهی شد و به همین ترتیب می توان گفت سنت خداوند بر این قرار گرفته که تجمل گرایان را به عذاب خویش در این دنیا و البته در آن دنیا گرفتار می سازد. جدای از عذاب خداوند، اینکه تجمل گرایی، اثرات سوء اقتصادی برای کل جامعه دارد و فقر را روز به روز بیشتر و شکاف فقیر و غنی را روز به روز ریشه دار تر می کند، عاقبت دیگری است که بر تجمل گرایی مترتب می شود. هشدار دادن و آگاهی بخشیدن در باره اینگونه عواقب دنیوی و اخروی، می تواند به سهم خود در جلوگیری و درمان از تجمل گرایی موثر باشد.

## نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این مقاله روشن شد، نتیجه می توان گرفت که:

۱/ واژه تجمل و تجمل گرایی در قرآن کریم به کار نرفته است ولی بعضی واژگان وجود دارد که می توان معنای مورد نظر از تجمل گرایی را از آنها برداشت کرد؛ واژگانی نظیر زخرف، زینت و تکاثر.

۲/ داستان قارون در قرآن کریم نشان می دهد که قرآن در باب تجمل گرایی دو گونه عمل کرده است: اول تبیین و تعریف تجمل گرایی و نشان داده اینکه تجمل گرایی در فرهنگ دینی اسلام، امری مذموم است و دوم معرفی یک نمونه عملی و عینی و بیان ریشه ها و عواقب تجمل گرایی قارون.

۳/ آسیب هایی که تجمل گرایی در پی دارد، آسیب هایی هستند که عموماً اعتقادی و اخلاقی است و بعداً در سطح رفتار و اعمال انسان خود را نشان می دهد ولی دایره تاثیر تجمل گرایی به حدی است که ممکن است تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان را تحت تاثیر قرار دهد مثلاً اعتقادات انسان را تغییر می دهد و با تغییر اعتقادات، کل رفتارهای انسان رنگ و بوی مادی گرایی خواهد گرفت.

۴/ راه کارهایی که قرآن کریم معرفی می کند به تبع آسیب ها، اعتقادی و اخلاقی است و این نشان می دهد که جامعه و فرد باید در حوزه اعتقادات و اخلاقیات حساس باشند و بنگرند که چه تفکری وارد ذهن آنها می شود. دست کم گرفتن اعتقادات و اخلاقیات می تواند حیات فردی و اجتماعی هر دو را در مخاطره قرار دهد و اندک اندک زمینه طغیان و سرکشی و بعد گرفتار شدن به عذاب الهی را فراهم سازد.

## منابع

- ۱/ ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴) لسان العرب، دار صادر، دمشق
- ۲/ افسردیر، حسین و رحیمی، عصمت (۱۳۹۴) آسیب شناسی تجمل گرایی در رفتارهای فردی و راه کارهای قرآنی و روایی پیشگیری از آن، مجله تربیت و بصیرت اسلامی، سال دوازدهم، شماره
- ۳/ راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲) المفردات فی غریب القرآن، دار العلم، دمشق- بیروت
- ۴/ رضایی بیرجندی، علی (بی تا) کوثرگرایی و تکاثرطلبی در قرآن، مجله بینات، سال یازدهم، شماره ۲۳
- ۵/ طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم
- ۶/ طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰) ترجمه تفسیر مجمع البیان، گروه مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران
- ۷/ طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵) مجمع البحرین، انتشارات مرتضوی، تهران
- ۸/ قرایتی، محسن (۱۳۸۳) تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران
- ۹/ مصطفوی، حسن (۱۳۶۰) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- ۱۰/ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران